

ادامه از صفحه اول

کارگزاران از لاریجانی حمایت نمی‌کند

قطعا معرفی و حمایت از یک نامزد اصلاح‌طلب اولویت ماست اما اصلاح‌طلبی که بتواند کار کند، نه آنکه اگر به هر طریقی توانست تأیید شورای نگهبان را بگیرد، فارغ از توانایی‌اش مورد حمایت ما باشد. ما باور داریم چه اصلاح‌طلب و چه اصولگرا باید توانمند باشد و بتواند با بسیج ظرفیت انسانی کشور یک دولت کارآمد تشکیل دهد. امروز روزی است که همه باید پای کار بایند تا قوای سه‌گانه بتوانند با هم هماهنگی کامل داشته باشند. به‌جای آنکه مدام بحث ضرورت حمایت از نامزد اصلاح‌طلب را مطرح کنیم، بهتر است بر مصادیق کار کنیم. اتفاقا خطری که جبهه ما یعنی اصلاحات را تهدید می‌کند، تعدد نامزد‌هاست و این نگرانی وجود دارد که نتوانیم به وحدت برسیم. فردی که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود باید نگاه ملی داشته باشد. امروز روز ملی نگاه‌کردن به مشکلات کشور است. اولویت کشور حل مشکلات مردم است. اگر من و اعضای کارگزاران با دیگر اصلاح‌طلبان یا اصولگرایان در بی امیال جناحی و حزبی خود باشیم، منافع ملی را شناخته‌ایم. اکثریت مردم ایران هر روز که بیدار می‌شوند، می‌بیند بخشی از هزینه‌های‌شان افزایش یافته و درآمدشان یا ثابت مانده یا حتی کم شده است. واقعا مسئله این روزهای ایران این نیست که چه بر سر کارگزاران و دیگر اصلاح‌طلبان یا اصولگرایان می‌آید و وقتی مردم این‌چنین گرفتار مشکلات باشند اصلا مهم نیست حزب و همه احزاب از هر جناحی به حیات‌شان ادامه دهند یا خیر. اگر اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نمی‌توانند درد و مشکلات مردم را حل کنند به درد لای جرز می‌خورند. اکنون باید با بسته سیاسی روشن و تکیه بر شخصیت‌های توانمند مشکلات حل شود. تورم در مقطع کنونی بالای ۳۰ درصد است و در این شرایط نیروهای سیاسی سنگین پایگاه حزبی خود را به سینه می‌زنند و همه چیزمان حل است و فقط اصلاح ابرو مانده است؟! واقعا ما یعنی همه نیروهای سیاسی از اصلاح‌طلب گرفته تا اصولگرا باید از مردم عذرخواهی کنیم. ما به مردم بدهکاریم و تنگ‌نظری‌های حزبی و جناحی، تشخیص بدِ اولویت‌ها، سلسامحکاری‌ها و توصیه به حمایت از افرادی که قادر به حل مشکلات مردم نبودند، همه و همه ما را به مردم بدهکار کرده است. واقعیت این است که همه ما باعث تشدید مشکلات کشور شدیم. ما همه مقصریم و نباید طبلکار باشیم. کارگزاران هم در این تقصیر سهم دارد مثل همه احزاب اصلاح‌طلب و اصولگرا.

✎ کارگزاران همواره در نوع نگاه به سیاست با بخشی از اصلاح‌طلبان دچار اختلاف بوده است. این سخن تا جایی بی‌معنی رفته است که گفته می‌شود کارگزاران قصد خروج از اصلاحات و نزدیک‌شدن به اصولگرایان را دارد. این گزاره را می‌پذیرید؟

خیر، دروغ محض است. قطعا بین نیروهای کارگزاران و بخشی از نیروهای اصلاح‌طلب اختلافاتی وجود دارد. برخی دوستان هنوز بر موضوعات حقوق‌بشمی تأکید می‌کنند و راه‌حل مشکلات کنونی را بازشدن فضای سیاسی می‌دانند. ما می‌گوییم اولویت این روزهای کشور اصلا سیاست نیست و مهم‌ترین اولویت توسعه اقتصادی است. لزوما کارگزاران ایجادکننده این توسعه سیاسی نخواهد بود و هر فرد یا حزب یا جناحی که می‌تواند باید پای کار بیاید. کسی که هنوز شکاف اقتصادی ایران با همین کشورهای منطقه را درک نمی‌کند حتما از سیاست چیزی متوجه نشده است.

مشکل این است که دیگر هر روز و هر لحظه خبر کشته‌شدن کولبرها را نشنویم، نشنویم که آمر بی‌کاری جقدر بالا رفته است، نشنویم که میزان سرعت در کشور افزایش یافته است و نشنویم که طلاق و خودکشی و تعطیلی کارخان‌ها تا چه حد رو به افزایش است. این خبرها نباید در کشور ایران وجود داشته باشد، نباید این خبرها برای ما عادی شود. وقتی می‌گوییم اولویت توسعه اقتصادی است یعنی آنکه باید چند سال رشد بالای ۱۰ درصد را تجربه کنیم تا شاید بعد از ۱۰ سال به نقطه‌ای که در سال ۷۶ و ۸۴ ایستاده بودیم، برسیم. اکنون طبقه متوسط در حال نابودی و متلاشی شدن است. باید طبقه متوسط دوباره جان بگیرد. اتفاقا مگر دوستان اصلاح‌طلب ما با توسعه سیاسی و فرهنگی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی تأکید نمی‌کنند؟ خب چه طبقه‌ای باید این توسعه را به وجود آورد؟ مگر نه آنکه طبقه متوسط مشکل‌دهنده این گونه توسعه است؟ اکنون که طبقه متوسط توان هیچ کاری ندارد و بخش اعظمش درگیر نان شب است، این طبقه باید احیا شود تا توسعه سیاسی به وجود آید و احیای این طبقه هم میسر نمی‌شود مگر با توسعه اقتصادی. روزگاری می‌گفتم که ایران برای همه ایرانیان اما واقعیت این است که امروز باید بگوییم همه ایرانیان باید برای ایران باشند. همه باید دست به دست بدهند تا مشکلات حل شود، حتی کسانی که جمهوری اسلامی را قبول ندارند نه حتی سعی کنند برای ایران از میزان مشکلات موجود بکاهند. واقعا تاسف‌بار است که دیگر جوانان ایرانی قدرت اقتصاد برای ازدواج‌کردن ندارند. نمی‌توانند یک خانه یا حتی یک اتومبیل تهیه کنند. من به عنوان سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی فریاد می‌زنم که توسعه اقتصادی اولویت ایران است و تا این موضوع حل نشده، توسعه سیاسی مورد درخواست بخش روشنفکری جریان اصلاحات هیچ جایگاهی ندارد.

ادامه در صفحه ۳

جیزی به انتخابات ۲۰۲۰ ریاست‌جمهوری آمریکا مانده است؛ انتخاباتی که بیش از هر دوره دیگری هم‌زمان بر سرنواست مردم آمریکا و خاورمیانه تأثیرگذار است؛ دو کاندیدای رئیس‌جمهوری، ترامپ و بایدن، با دو رویکرد متفاوت، اصلاح‌طلبان باور دارند انتخابات آمریکا در مسائل ایران اثر دارد؛ اثری که جناح‌های سیاسی دیگر چندان به آن قائل نیستند یا هستند و بر زبان نمی‌آورند. در همین زمینه با حمیدرضا جلایی‌پور گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

✎ با توجه به اهمیت انتخابات پیش‌روی آمریکا، ارزیابی‌ شما از این انتخابات چیست؟

توجه کنید که من کارشناس مبارزات انتخاباتی آمریکا نیستم. در این گفت‌وگو من بیشتر سعی می‌کنم به‌عنوان کسی از زاره دور بر اساس داده‌های در دسترس (در فضای آنلاین) نسبت به انتخابات آمریکا را با اوضاع سیاست در ایران مقدری بسنجم. اگر امروز در آمریکا انتخابات برگزار شود، بایدن برنده است؛ چون در نظرسنجی‌های گوناگون (نه نظرسنجی فقط سی‌ان‌ان) بیش از شش تا ۹ درصد از ترامپ جلو است و رأی اکثرال او هم بد نیست؛ ولی مشکل این است که انتخابات امروز نیست. ۴۰ روز دیگر است تا ۴۰ روز سه عامل مهم هستند و ممکن است نتیجه انتخابات را تغییر دهد و یک‌دفعه ترامپ برنده شود. اولین عامل این است که ترامپ یک «شخصیت خودشیفته و نمایشی» است. ممکن است در این ۴۰ روز یک قیل هوا کند و بر نتایج انتخابات اثر بگذارد. بعضی‌ها مثلا می‌گویند فیلش ممکن است اعلان «واکسن مجانی ضدکرونا برای همه آمریکایی‌ها» باشد (البته اگر دروغ نباشد و نهادهای معتبر پزشکی کیفیت واکسن را تأیید کنند). عامل دوم این است که دفاع علنی از شخصیت ترامپ (خصوصا به خاطر شارلاتان‌باری که سر مبارزه با کرونا درآورد). برای مردم عادی سفید آمریکایی در هنگام نظرسنجی‌ها یک مقدار سخت است که نظرشان را به‌عنوان موافق ترامپ اعلام کنند؛ ولی همین جمعیت ممکن است در هنگام رأی‌دادن (که دل خوشی از جمعیت غیروسفیدها که اقتصاد دانش پایه آمریکا روی دوش آنهاست، ندارند) به ترامپ رأی بدهند. عامل سوم اینکه ممکن است ترامپ بیشتر سعی کند پس از اعتراضات و ناآرامی‌های ضدنژادی بخشی از مردم آمریکا درباره تبعیض نژادی پلیس و ترامپ، خودش را به‌عنوان حافظ امنیت آمریکا و حافظ منافع آمریکا در مقابل چین نشان دهد و روی آرای سفیدهای آمریکایی اثر بگذارد؛ بنابراین نتایج انتخابات را تا ۴۰ روز دیگر قطعی نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ ولی می‌توان امیدوار بود موقعیت ضعیف پایگاه رأی ترامپ به دashed نرسد.

✎ درباره دو مفهوم مهم در صحبت‌های شما، یکی نمایش و دیگری ترس بایدب بگویم که انگار در بیشتر انتخابات هرکس نمایش جذاب‌تری را روی صحنه برود، پیروز خواهد شد. اما فراموش نکنیم این نمایش در کنار جذاب‌بودن مثل هر اثر هنری دیگری باید برخاسته از روح جمعی یک جامعه باشد؛ یعنی با روح جمعی جامعه‌ای پیوند بخورد تا اثرگذار باشد و مردم را پای صندوق‌های رأی بیاورد. در انتخابات ۲۰۱۶ هیلاری کلینتون در اجرای نمایش خود که متکی بر القای عقل‌گرایی بود، شکست خورد؛ چراکه با این نمایش دموکرات‌ها در دو دوره قبلی در کاخ سفید مانده بودند. البته برخی نیز با القای ترامپ‌هراسی خواستند هیلاری کلینتون را پیروز کنند؛ اما چون آن موقع ترامپ هنوز چندان شناخته‌شده نبود و نمایشی که او به صحنه می‌آورد تمام ابعاد سیاست‌های او را نشان نمی‌داد، موفق شد با نوعی ناسیونالیسم آمریکایی که جای خالی‌اش در جامعه آمریکا محسوس بود، به پیروزی برسد. اکنون هم عرصه سیاست آمریکا پر دو محور نمایش و ترس بنا شده است. بایدن نه‌تنها بازگرم خوبی نیست؛ بلکه نمایش‌نامه چندان خوبی هم ندارد. دموکرات‌ها و بایدن بیشتر روی خطاهای ترامپ و مهم‌تر از همه ترامپ‌هراسی حساب باز کرده‌اند که معلوم نیست چقدر جواب بدهد. ترامپ هم با ترکیب نمایش و ترس به میدان آمده است؛ اما جدایی‌ناپذیر نمایش ترامپ کاسته شده و او هرچه دارد هنوز از بازیگری خودش است. چین‌هراسی هم بخش مهم نمایش اوست و همان جایی است که درواقع نمایش ترس را تأثیرگذار می‌کند. قرار بود دموکراسی‌ها بر خرد جمع استوار باشد. چرا دموکراسی به این حال و در چه افقاده است؟ این منحصربه آمریکا نیست. حتی کشورهای بی‌امونی نیز که دموکراسی نیم‌پزندی دارند، از این قاعده نمایش و ترس مستثنا نیستند. آیا تفکیر دموکراسی تئولبرالیستی به تبه دیک خورده است؟

نکات مهمی را مطرح کردید و از انتخابات آمریکا ما را برددید در بحث پایه علل «بی‌ثباتی دموکراسی‌ها» حتی در کشورهای مهید مدرنیت. سعی می‌کنم هر دو را مختصر توضیح دهم. هر دو عامل «نوع نمایش کاندیداها» و «ترس مردم» در انتخابات آتی آمریکا مهم‌اند؛ ولی هر دو عامل در «زمینه» انتخاباتی عمل می‌کنند و زمینه انتخابات و ازجمله انتخابات آمریکا را نباید تک‌عاملی دید. این دو عامل را باید در کانتکست جامعه دید. درست است که در انتخابات قبلی هم ترامپ و هم هیلاری «نمایش» دادند؛ ولی نمایش ملی‌گرایی پوپولیستی ترامپ جذاب‌تر بود؛ ولی هیلاری در انتخابات قبلی به بی‌توجهی به عدالت اجتماعی در جامعه آمریکا باخت. اگر برنی سندرز کاندیدای حزب دموکرات بود و با برنامه عدالت‌طلبانه و پیشروی‌ای که داشت، از ترامپ می‌برد. حتی در انتخابات قبلی هم هیلاری از لحاظ میزان آرا سه میلیون رأی بیشتر از ترامپ آورد؛ ولی با رأی اکثرال به ترامپ باخت. در انتخابات پیش‌رو ترامپ زیاد نمی‌تواند «نمایش» ملی‌گرایی بدهد؛ چون در چهار سال گذشته مردم کارهای نژادپاش را دیدند؛ ولی او می‌خواهد از «ترس» آمریکایی‌ها درباره امنیت آمریکا و منافع ملی آمریکا در رقابت با چین استفاده کند. حالا باید ببینیم این ۴۰ روز می‌تواند یا نه؟ من شک دارم بتواند.

سیاست



حمیدرضا جلایی‌پور

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

در تهران

آسیب ببینند).
بالین‌همه معتقدم در انتخابات آتی آمریکا، چه ترامپ پیروز شود و چه بایدن، «عمل‌گرایی دیرهنکام» را عمل خواهد کرد و در روند تحریم‌ها گشایش‌هایی رخ خواهد داد. این حدس من به معنای این نیست که پس از انتخابات آمریکا به‌سرعت رابطه ایران و آمریکا بهسود خواهد یافت، نه، چنین اتفاقی نمی‌افتد، ولی مذاکرات بین ایران و آمریکا برای رسیدن به یک توافق حداقلی (مثل بازگشت آمریکا به برجام تحت شرایطی) اتفاق خواهد افتاد. این مذاکرات عملا شروع شده است؛ زیرا وارد شرایطی شدیم که آمریکا در سیاست ضربه نابودکننده‌اش به ایران شکست خورده و حاکمیت ایران هم علاقه ندارد شرایط تحریمی و تهدیدی فعلی با آمریکا را ادامه ده؛ بنابراین به نظر من پس از تحمل سختی‌ها در سه سال گذشته از سوی مردم، در ماه‌های آینده گشایش در پیش است.

✎ درباره موضع‌گیری اصولگرایان در برابر آمریکا با شما همدلی ندارم. فکر می‌کنم معتدل‌ترین اصولگرایان هم در برابر آمریکا موضع انفعالی دارند. شاید از اینکه می‌گوییم انفعالی تعجب کنید. دشمنی خصمانه با آمریکا و ندیدن لایه‌های درونی جامعه و لابی‌های مؤثر در سیاست خارجی و داخلی (باوری که روسیه به آن رسیده است) به یک‌جانبه‌گرایی در میان اصولگرایان انجامیده. تندترین شعارها مبنی بر یک‌جانبه‌گرایی به همان انفعال می‌انجامد؛ یعنی سیاست بدون دیالکتیک. این‌گونه موضع‌گیری در میان بزرگان اصولگرا هم دیده می‌شود. کاری ندارم آن در خفا چه می‌گویند و ته دل‌شان چیست اما اغلب اصولگرایان در برابر آمریکا موضعی ظاهرا خصمانه دارند. اینجاری روی «ظاهرا» تأکید می‌گذارم، اگرچه برخی با موضع‌گیری‌های اصلاح‌طلبان در برابر آمریکا مخالفانند اما اصلاح‌طلبان در این مورد تکلیف‌شان با خودشان روشن است. آنان در مواجهه با آمریکا از دیدگاه خودشان از منافع ملی حمایت می‌کنند. با اینکه این تصورشان تا چه میزان درست با غلط است و تا چه حد به منافع حزبی آنها برمی‌گردد، کاری ندارم اما گویا اصولگرایان حلقه‌ای می‌اندیشند و حتی اگر نظر مخالفی هم داشته باشند، برای انسجام حلقه‌شان آن را به زبان نمی‌آورند یا می‌ترسند آن را به زبان بیاورند و از قلمه طرد شوند؛ این‌طور آنان در وضعیت انفعالی‌اند. وضعیتی که نتوانید در آن موضع‌گیری داشته باشید. تغییری در سیاست مقابل ایجاد نمی‌کند و انفعالی است. این سخن اصولگرایان را برآشفته خواهد کرد و آنان خواهند گفت اگر مقاومت آن‌تون آمریکا در مقابل ایران دست‌ بالا را داشت، موضع‌گیری اصولگرایان فقط یک وحدت رویه است. نمونه بارز آن، دولت‌های دهم و یازدهم است. به نظر اصلاح‌طلبان چون می‌ترسند همه بار مواجهه منطقی با آمریکا را بر دوش بکشند، به شکلی ایدئایی پای اصولگرایان معتدل را به میان می‌کشند که تاکنون کاری از آنان برنیامده است.

ببینید شما بحث اصولگرایان را مطرح کردید که خودش جداگانه بحث مستوفی می‌طلبد. اجمالا خدمت‌تان عرض کنم. اصولگرایان هم مثل اصلاح‌طلبان یک طیف متنوع هستند، بالین‌همه این نیرو در کشور یک مشکل اساسی دارد. مشکل این نیرو این است که اصول و ارزش‌های اصولگرای را مرتبه اول اولویت‌ها برایش نیست. اصولگرایان در مجموع آویخته به قدرت سیاسی هستند و به‌طور ناخوشسته منافع روزمره خود را از این آویختگی دنبال می‌کنند. در کشور ما یک اصولگرایی انقلاب برآمده‌ست و تا وقتی مردم به کاندیدای مورد قبول آنها رای می‌دادند، آنها هم مردمی بودند ولی وقتی دیدند انتخاب مردم عوض شده آنها در سه دهه گذشته از نظارت حداکتری استصوابی دفاع و مردم را رها کردند. حتی به‌هشامی که دشمن او را دشمن پیغمبر می‌دانستند، پشت نکرد. ولی علی‌مطهری چنین نکرد.

دوم اینکه اصولگرایان به سیاست خارجی جنجالی و پرهزینه احمدی‌نژاد اعتقاد نداشتند ولی چون می‌دیدند حاکمیت از سیاست خارجی احمدی‌نژاد دفاع می‌کند، خم به ابرو نیاوردند و زبان به انتقاد نگشودند و از این سیاست خارجی دفاع کردند تا اینکه تحریم‌ها در دوران ابواما بیخ پیدا کرد. به همین دلیل اینست که می‌گوییم اصولگرایان مدت‌هاست کنار مصالح مردم نیستند. سوم اینکه اصولگرایان هم در برابر تدروها که هویت سیاست خارجی ایران را به آمریکاستیزی تقلیل داده‌اند، نقدی ندارند. شما می‌دانید آمریکاستیزی برای سیاست خارجی و اقتصاد ایران پرهزینه بوده ولی برای تدروها در داخل این آمریکاستیزی کارکرد داشته و با آن فرایند توسعه سیاسی کشور را محدود کردند ولی اصولگرایان نقدی به تدروها نداشتند. اتفاقا من نسبت به حرکت ایران به سمت سیاست خارجی متوازن (با دفاع عزتمندانه از مصالح معیشتی عموم مردم در تعامل با همه کشورها و قدرت‌ها) خوش‌بین هستم ولی این خوش‌بینی من به خاطر عملکرد اصولگرایان نیست. آنها که فشار برای تغییر نمی‌آورند، علت خوش‌بینی من دو چیز است که در بالا به آن اشاره کردم؛ یکی اینکه گفتم آمریکای ترامپ زورش را زد و در به زانو درآوردن ایران موفق نشد. دوم اینکه حاکمیت ما یک عمل‌گرایی دقیقه‌نودید دارد. ما عمل‌گرایی را در پایان‌دادن به بحران گروگان‌ها، در پذیرش قطع‌نامه و در برجام دیدیم و در پایان‌دادن به این تحریم‌های کمرشکن نیز خواهم دید. وقتی حاکمیت این‌کار را کرد، آن‌گاه اصولگرایان کف می‌زنند ولی فعلا اصولگرایان اصلاح‌جویان کشور را واداده می‌دانند. در ارزیابی سیاسی فقط نباید به گفته‌ها توجه کنیم، به رفتارهای واقعی باید توجه کنیم. به نظر من در شش ماه گذشته سیاست خارجی ما واقف‌گراتر شده است و این روند ادامه دارد.

ادامه از صفحه اول

تهمینه مادرانه در سوک سهراب

اگر او شهیرا است، پس توس کیست؟» و چون پدر و پسر پشت در پشت یکدیگر شدند دیگر هیچ‌یک در پیش تخت شاهان به حرمت نمی‌ایستند و فر همای را نیز هیچ می‌شمردن. رستم همان کسی است که مرا به دشنام خواند و در حضور شاهپای بی‌آبرو گرداند. و بدین‌گونه سهراب در آغوش رستم چشم‌به‌راه نوش‌دارو، آخرین نفس را از سینه برون داد و خاموش شد. رستم خاک بر سر ریخت و بزرگان لشکر هم‌آوا با او مویه کردند و رستم گریان گفت: «گیتی دیگر چون تو پهلوانی نخواهد دید و چه کسی را این رخ درسید که در پیرانه‌سر فرزند خویش را از پای درآورد، فرزند را که تنیره سام دلیر بوده است. به تهمینه، مادر سهراب چه بگویم، کدامین پدر هرگز مرتکب چنین جنایتی شده است، بی‌گمان زال مرا سرزنش‌ها خواهد کرد و نیز مادرم رودابه.» آن‌گاه فرمان داد تا پیکر بی‌جان سهراب را در دیبایی بپوشانند و تابوتی از چوب عود بیاورند. همه بزرگان سپاه کوشیدند رستم را آرام گردانند. کاووس گفت که سرانجام همه انسان‌ها مرگ است و اگر آسمان را به زمین زنی و زمین را به آسمان، آن یور دلیر دیگر زنده نخواهد شد و سرانجام رستم همراه زواره و دیگر یاران با تابوتی بر پشت اسب راهی زابلستان شد و چون زال از بازگشت رستم با تابوتی که فرزندش در آن آرام خفته بود، آگاه شد، به پیشواز رستم رفت، تابوت را بر زمین گذاردند و دیگربار زاری از سر گرفتند. زال با دیدن پیکر بی‌جان سهراب در اندوهی عمیق سکوت اختیار کرد، آن‌جان مبهوت و غم‌زده بود که حتی لب از لب نگشود و چون پیکر سهراب را در آن تنگ‌جای تابوت به خاک برند، رودابه با دو چشم خون‌ریز زاری کرد و رستم را سرزنش. گو پیلتن سر فرود آورد و هیچ نگفت، رودابه ناآرام و بی‌قرار بود و شیون وی اندوهی غمین‌تر و عمیق‌تر بر دل رستم نشاند. به فرمان رستم دخمه‌ای باشکوه بساختند و سهراب را در آن نهادند و پس از روزان و شبانی چند، سرانجام رستم از زاری بازماند و شکیبایی در پیش گرفت. چون سپاه هومان به توران بازگشت، افراسیاب از آن رخ داده بود، آگاه و از گردش روزگار در شگفت شد و دیری نپایید که غریو برخاسته از خاک توران در گوش شاه سسنگان نشست و در پی آن، تهمینه، مادر سهراب دانست که فرزندش به تیغ پدر کشته شده است. داغ مادرانه را سوگی دگر و شیونی دگر است و تهمینه مادرانه گریست و نالید، صیحه زد، خروشید و خراشید، زمان تا زمان از هوش رفت، گیسوی بلند خویش به انگشت بیپچاند و از نین برکند و خاک تیره بر سر فروریخت و به دندان، صدف باروزن خویش را بکند و لبان سرخ‌فام را خونین گرداند. گویی زخم بر خویشتن، مرهمی برای آرامش بود و موی و روی را به تن بسجخت و فریاد برآورد، «ای جان مادر، کنون چرا با خاک هم‌آغوش گشته‌ای، گمانم چنین بود که در جست‌وجوی درد رفته‌ای تا او را بیایی، چگونه باور کنم این سخن را که دریده‌پهلوشوی به خنجر پدر، دریغا آن روی تو، دریغا آن موی تو، تنت را به ناز پرورده بومد، چه روزان و شبان، تو را در آغوش گرفته بومد، کنون تهی است آغوش من، با که بگویم درد را، در ریغا که آن تنه‌ها و چشم و چراغ به خاک و خون کشیده شد. از ضجه‌ها و صیحه‌های او خلقی گریان و نالان شدند و آن‌گاه تاج سهراب را بیاورد و بر آن تاج و تخت زار بگریست و سر اسب او را در آغوش گرفت و روی و موی به سُم او بمالید و فرمان داد همه کاخ را سپهپوش کنند و به روز و به شب، یک سال تمام زانو در سه‌پوش دیدار فرزند به دیگر سرای شافت. همی گفت و می‌خست و می‌کند موی/ همی زد تک دست بر خویبروی/ از بس کو همی شیون و ناله کرد/ همه خلق را چشم بر زاله کرد/ از خون جگر کرد لعل، آب را/ بیاورد از آن تاج سهراب را/ همی زار بگریست بر تاج و تخت/ همی گفت ای خسروانی درخت/بپوشید پس جامه نلیگون/ همان نلیگون غرقه کرده به خون/ به روز و به شب نوحه کرد و گریست/ پس از مرگ سهراب سالی بزیست/اسرانجام هم در غم او بمرد/ روانش بشد سوی سهراب گرد.

خبر

جلسات انتخاباتی سعید جلیلی با جبهه پایداری؟

● برنا: عضو جبهه پایداری در واکنش به اینکه شنیده‌ها حاکی از این است که جبهه پایداری جلساتی با سعید جلیلی درباره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار کرده است، خاطرنشان کرد: این گمان‌ش‌زنی‌ها صحت ندارد. «غلامحسین رضوانی»، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو جبهه پایداری، در پاسخ به اینکه تا چه اندازه احتمال می‌رود اصولگرایان برای انتخابات ۱۴۰۰ به وحدت برسند، گفت: نمی‌توانم پیش‌گویی کنم اما از نظر اصولی و مبنایی، اگر اصولگرایان بر مبنای و معیارهای شخصی توافق کنند که این معیارها بیانگر مشخصات کاندیدای مطلوب باشد، در این صورت بسیار طبیعی است که انتظار داشته باشیم در مورد مصداق هم به توافق برسند. نمی‌خواهم بگویم که اگر غیر از این باشد توافق می‌کنند یا نمی‌کنند چراکه حمل بر پیش‌گویی می‌شود. این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: بنابراین اگر روی معیارها توافق شده اما هنوز حصول نتیجه مطلوب افزایش می‌یابد، رضوانی در رابطه با تشکیل جلسات این جبهه با محوریت انتخابات ریاست‌جمهوری تصریح کرد: بهتر است این سؤال از سخنگوی جبهه پرسیده نشود اما تشکیلات سیاسی معمولاً جلسات دارند اما به نظر می‌رسد که برای پرداختن به این موضوع، هنوز زود است.